

یادی از عبدالجواد جودی خراسانی، **شاعر آیینی اهل عنبران** که

سروده‌های او هنوز هم زمزمه‌ ذاکران اهل بیت^(ع) است

کند حسین به روز جزا شفاعت «جودی»*

امید حسینی‌نژاد

آن دم بریدم از زندگی دل که آمد به مسلخِ شمر سیه‌دل او می‌دوید و من می‌دویدم او سوی مقتل، من سوی قاتل هرکدام از ما بارها این ابیات سوزناک را از زبان مداحان اهل بیت^(ع) شنیده‌ایم؛ ابیاتی که به‌نوعی زبان حال حضرت زینب^(ص) در روز عاشوراست. حدود بیست سال پیش نیز کویتی‌پور، از هنرمندان شناخته‌شده کشور، این اشعار را با ملودی حزن آور خواند و نوارکاست‌های این اجرا در بین مردم دست‌به‌دست می‌شد. شاید برای خیلی‌ها این سؤال پیش آمده باشد که شاعر این اشعار کیست. شاعر این مرثیه بیش از ۱۵۰ سال پیش، در یکی از روستاهای خوش آب‌وهوای اطراف مشهد زندگی می‌کرد. خیلی از کسانی که به طریقه رفته‌اند، حتما در مسیر از روستای عنبران عبور کرده‌اند. این ابیات، سروده قتادی از روستای عنبران است.

قناد خوش‌قریحه

میرزاعبدالجواد در نیمه دوم قرن ۱۲ خورشیدی در روستای عنبران متولد شد. از سال‌های زندگی او اطلاع زیادی در دست نیست اما می‌دانیم که پس از گذشت سال‌ها به مشهد آمد و دکان قتادی راه انداخت. مغازه او در نزدیکی سه‌راه بازار سرشور مشهد قرار داشت. همه مردم، جودی را به اخلاص تمام‌عیارش به اهل‌بیت^(ع) به‌ویژه امام حسین^(ع) می‌شناختند. او از راه دکان قتادی که داشت، زندگی‌اش را می‌چرخاند و در طول عمر هیچ‌وقت شعری در مدح کسی جز اهل‌بیت پیامبر^(ص) نگفت. قتادی و خانه جودی، محل آمدوشد مرثیه‌خوانانی بود که برای شنیدن سروده‌های او جمع می‌شدند و از او تقاضا می‌کردند آن‌ها را میهمان سروده‌های تازه‌اش کند. علی‌اکبر مروج الاسلام در کتاب، کرامات رضویه، در وصف عبدالجواد جودی خراسانی می‌نویسد: «میرزای جودی، اخلاصی تمام به حضرت سیدالشهدا^(ع) داشته و گویا اشعار خود را با اشک چشم، می‌سروده و ثبت می‌کرده است. این است که مرثای او اثر تمامی در دل دوستان دارد.»

دیوان جودی

جودی تمام همتش را به سرودن اشعار در مرثای اهل‌بیت^(ع) مصروف داشته و به مدح این و آن نپرداخته است، حال آنکه با طبع غرا و خدادادی که داشته، در ردیف شریف‌ترین و بزرگ‌ترین شاعران عصر خود بوده است. او شاعری قانع بود و چنان‌که اشاره شد، از حرفه قتادی روزگار می‌گذرانید و چشم‌داشتی به معین‌الدوله‌ها و امین‌السلطنه‌ها و امثال این‌ها که هر شخصیت علمی و ادبی را به وسایل مختلف به‌سوی خود جلب می‌کردند، نداشت.

مرثیه‌های جودی درمیان مردم خراسان، شور و هیجانی به‌پا می‌کرد و کوچک و بزرگ، آن‌ها را می‌خواندند و حفظ می‌کردند و به خاطر می‌سپردند. دیوان مرثیه او در آن روزگار، چهره تازه‌ای را به مرثیه‌سرایی داده بود و مداحان اهل‌بیت^(ع) از سروده‌های او استقبال گرمی می‌کردند و اشعار او را در هر فرصتی می‌خواندند و مجالس حسینی را به هر صورتی که معمول بود، به نام او جلوه خاصی می‌بخشیدند.

اشتغال جودی به مرثیه‌سرایی و عامه‌پسند بودن اشعارش، باعث شد فضلا و خواص به شعر او تمایلی نداشته باشند، چنان‌که عبدالجواد ادیب‌نیشابوری درباره وی گفته است: «بالألف که جودی جنبه مرثیه‌سرایی‌اش، شهره شد و مقام ادبی‌ا‌ورا پوشانید، قصاید او بیشتر در مدح پیامبر^(ص)، امام حسین^(ع)، میلاد امام‌علی^(ع) و نیز عید غدیر است. قصیده هفت‌کوبک وی در مدح و منقبت رسول اکرم^(ص)، معروف است. گفتنی است بیشتر قصاید مدحی او به رثای خاندان پیامبر ختم می‌شود. وی حتی در پایان قصایدی که به‌مناسبت میلاد حضرت علی^(ع) و عید غدیر سروده، مرثیه‌سرایی کرده است.

در بخشی از دیوان جودی به نام «از مدینه تا مدینه، و وقایع قیام امام حسین^(ع) با زبان شاعر لحظه‌به‌لحظه تصویر شده است. ترسیم وقایع کربلا از ظهر عاشورا و در آستانه شهادت امام حسین^(ع)، از نمونه‌های برجسته در دیوان جودی است که به پاره‌ای از جزئیات مرتبط با شهادت حضرت و گفت‌وگوهای ردوبدل‌شده در آن میان پرداخته و صحنه‌سازی‌هایی را مستند به زبان حال حضرت زینب^(ص) در اشعارش منعکس کرده است. قصیده با این ابیات شروع می‌شود:
دید چون زینب محزون که زمین می‌لرز/د شط به موج آمده و ماء معین می‌لرزد
مانده‌از کار فلک، عرش برین می‌لرزد/مانده‌ز اوراد ملک روح‌الامین می‌لرزد
شد سراسیمه و چون رعد در افغان آمد/موکنان مویه‌کنان جانب میدان آمد

درون‌مایه اشعار جودی

اشعار جودی از آشنایی سراینده آن‌ها با دیوان‌های شعر فارسی حکایت می‌کند. لغات و ترکیبات به‌کاررفته و همچنین طبع آزمایی شاعر در اوزان مختلف شعری، حاصل مطالعه و آشنایی وی با ادبیات فارسی است. بعضی اسطوره‌های ایرانی نظیر رستم و زال در شعر او نمودی خاص دارند.

جودی از دو استاد بزرگ شعر فارسی، یعنی حافظ و سعدی، با‌چیره‌دستی پیروی کرده است. نخستین قصیده دیوان او به نام «نخستین تجلی حق»، تقلیدی از قصیده معروف سعدی به مطلع «ماه فروماند از جمال محمد، است، همچنین اشاره فراوان وی به داستان پیامبرانی همچون ابراهیم^(ع)، موسی^(ع)، نوح^(ع)، سلیمان^(ع)، خضر^(ع)، یوسف^(ع)، عیسی^(ع) و محمد^(ص) (ص۴۴-۴۷) و نیز ذکر نام فرشتگانی چون جبرئیل، اسرافیل و میکائیل (ص۶۲) و استفاده از احادیث و آیات مختلف قرآن، نشان‌دهنده آشنایی وی با ادبیات قرآنی است. ترکیبات فلسفی و عرفانی نظیر صادر اول، عقل مجرد، نور محض و وحدت وجود نیز، آشنایی وی را با مباحث فلسفی بیان می‌کند.

*مصرع ماده‌تاریخ میرزاعباسعلی اخترطوسی برای وفات عبدالجواد جودی خراسانی



مقام ادبی «جودی»

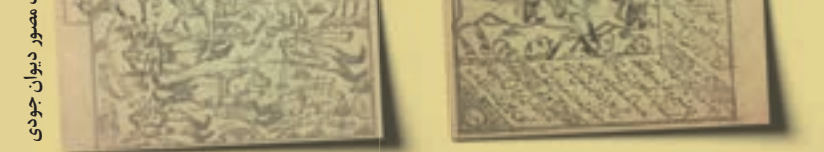
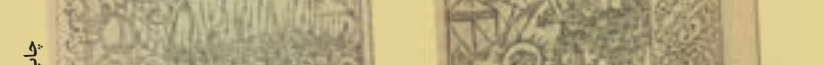
میرزاعبدالجواد به‌دلیل اشعار جانگدازش در مرثیه‌امام حسین^(ع)، شهرت زیادی درمیان مردم پیدا کرده بود. سروده‌های او نه‌تنها در مشهد بلکه در کل ایران پخش شده بود و ذاکران اهل‌بیت^(ع) اشعار او را بر زبان جاری می‌کردند. اما باید گفت جودی خراسانی جایگاه مهمی درمیان اهل ادب آن دوره داشته است. عبدالحمید اشراق خاوری در سال ۱۳۰۹ خورشیدی، یادداشتی کوتاه برای معرفی جودی در مجله ارمان نوشته است. او در ابتدای یادداشتش به نکته‌ای اشاره می‌کند که نشان از شهرت زیاد جودی درمیان ادبا و مردم آن زمان داشته است. وی می‌نویسد: «جودی را در میان عامه، شهرتی بسزا و اشتهاری بی‌منتهاست، چنان‌که بادی و حاضر و مقیم و مسافر، تمجید وی می‌کنند و توصیف او نمایند، زیرا کتابی در مرثیه پرداخته و شور و غلغله در جامعه عامه، بدین‌وسیله انداخته تا بدان حد که کتاب وی دردسترس صغار و کبار است،، ادیب‌نیشابوری داستان جالبی از جودی نقل می‌کند که روزی دلبری رعنا و شوخی زیبا برای خرید قند، نزد جودی می‌آید و دو قران از او قند نسیمه می‌کند. جودی پس از دوسه روز در مطالبه وجه خود، این دو شعر را برای او می‌فرستد:
قیمت قند من ای ترک شکرخوار بده/ چاره جز دادن آن نیست به‌ناچار بده!
من نگویم که تو آن وجه بده بار دهی/ دو هزار از تو طلب دارم یک‌بار بده!



نسخه‌های چاپی دیوان او

دیوان جودی خراسانی بارها به چاپ رسیده است. نخستین بار در سال ۱۲۹۹ قمری به دستور ناصرالدین‌شاه و به همت میرزاسعیدخان مؤتمن‌الملک، نیابت تولیت آستان قدس، در چاپخانه سنگی آستان قدس، به خط میرزاشفیع اعتمادالتولیه، چاپ شد و در ۱۳۰۳ قمری در مشهد تجدید چاپ گردید. دیوان جودی در ۱۶۰ صفحه در ۱۳۱۰ و ۱۳۷۲ خورشیدی در تهران به چاپ رسیده است. اشعار وی در اوزان و قالب‌های متعدد و متنوع، سروده شده است و همراه آیات و قصص قرآنی، احادیث و روایات به‌صورت تلمیح و اقتباس و ترجمه در اشعار وی به‌کار رفته است. قسمت اعظم اشعار جودی درباره واقعه کربلا و پیامدهای آن است که با نام «از مدینه تا مدینه، دو‌یست صفحه از دیوان او را دربر می‌گیرد.

دیوان جودی شامل حدود ۳هزار بیت است و بارها به چاپ رسیده است. شاعر در بخش «از مدینه تا مدینه»، بی‌وفایی مردم کوفه، ستمگری فرماندهان و سپاهیان لشکر یزید، شهادت و مظلومیت حسین^(ع) و برادران و فرزندان و اصحاب او، رنج زنان و کودکان در اسارت و سرانجام بازگشت آن‌ها به مدینه را به تصویر می‌کشد و می‌توان آن را مقتلی منظوم به‌حساب آورد. نگاه شاعر به واقعه عاشورا، نگاهی بینابین است و وی گاهی با مفاهیم عرفانی به رثای امام حسین^(ع) می‌پردازد.



جودی خراسانی در سال ۱۳۰۲ قمری، چشم از جهان فروبست. میرزاعباسعلی اخترطوسی، یکی از دوستان و نزدیکان جودی و از شاعران شناخته‌شده آن دوره، قطعه‌ای در مرثیه و ماده‌تاریخ وفات او سروده و در ضمن آن به برخی احوال و اخلاق او اشاره کرده است. قبر او در اتاقی مجاور قبر شیخ‌بهایی در صحن آزادی قرار دارد. تا سال‌ها پیش، بر سردر این اتاق، بیت شعری با این مضمون حک شده بود که بعد مردن گر شکافی قبر جودی را ببینی/ سر به زانوی مصیبت تا صف محشر نشسته

ایران نامه

به‌مناسبت تصویب قانون تابعیت در ۱۶ شهریور ۱۳۰۸

از خاک و خون ایران

حسین بیات‌ادر حقوق بین الملل، تابعیت را به معنای «عضویت فرد در جمعیت تشکیل‌دهنده دولت، می‌شناسند. لغت‌نامه‌دهخدا هم آن را «رعایای یک ملک و دولت بودن» معنا کرده است و رابطه‌ای حقوقی و سیاسی می‌داند که شخصی را به دولتی مربوط می‌کند. نیازی به گفتن نیست که منشأ پیدایش تابعیت، افزایش دولت‌ها در طول تاریخ است. همراه با تحول دولت و مفهوم آن و به‌تناسب نوع حاکمیت و جایگاه مردم در دولت‌ها، تابعیت نیز تغییر یافته است.

در گذشته، گزینه‌هایی چون بومی بودن، پیروی از آیین رسمی، اقامتگاه، قومیت و اطاعت از حاکم، معیارهای تابعیت بود، اما در سده‌های جدید و به‌طور ویژه در قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم هجری قمری) با تحول مفهوم دولت و تبیین رابطه دولت و مردم در اروپا، معیار عضویت در جمعیت تشکیل‌دهنده دولت، جانشین معیارهای سابق تابعیت شده است.

سابقه تاریخی تابعیت، به یونان باستان بازمی‌گردد که مجموعه‌ای از دهه‌ها شهر و منطقه مالکیتی مستقل به نام «دولت‌شهر» دارد و اهالی هر شهر و منطقه مستقل، شهروند و تابع آن شهر هستند. گاهی نیز افراد خارجی برپایه شرایط خاصی به تابعیت یک دولت‌شهر درمی‌آیند.

در دوران جدید اما نخستین بار به‌صورت رسمی در قانون اساسی ایالات‌متحده آمریکا به سال ۱۷۵۶ به قانون تابعیت اشاره می‌شود. انگلستان در اواخر قرن هجدهم، چنین قانونی را تصویب می‌کند و در قرن نوزدهم نیز دیگر کشورهای اروپا و جهان به تابعیت، جنبه قانونی می‌بخشند.

- تابعیت افشاری و قجری

در ایران واژه تابعیت و مشتقات آن، تا قرن دوازدهم فقط به معنای لغوی آن به‌کار می‌رود و از مردم ایران حتی در روابط خارجی به‌عنوان رعایای ایران یاد می‌شود. اولین بار در عهدنامه‌کردان که در شعبان ۱۱۵۹ قمری بین نادرشاه افشار و سلطان محمودخان اول، پادشاه عثمانی بسته می‌شود، از تابعیت ایرانی چیزی ثبت شده است. در فصل ضمیمه این عهدنامه، مقرر شده است: «اگر اتباع ایران و عثمانی، به خاک یکدیگر فرار کرده، بخواهند ترک تابعیت کنند، دولتین، این تابعیت جدید را نپذیرفته و آن‌ها را تسلیم یکدیگر خواهند کرد.»

درباره سابقه تاریخی قواعد تابعیت در ایران، برخی معتقدند تا سال ۱۳۲۴ قمری (قبل از مشروطه) در این موضوع، مجموعه مقرراتی -که متن آن هم اکنون در دست باشد- وجود ندارد. تا قبل از این تاریخ، مقررات مربوط به تابعیت فقط در عهدنامه‌ها یا به‌طور انفرادی و متفرق دیده می‌شود اما در قانون نامه ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ قمری (۲۳ مرداد۱۲۸۵)، مجموعه‌ای از مقررات تابعیت ایران، شامل قواعدی مبنی بر مدرک تشخیص تبعیت ایران، شرایط دخول به تابعیت ایران و خروج از آن، بازگشت به تابعیت، تغییر تابعیت زن ایرانی در اثر ازدواج و غیر این‌ها، تنظیم می‌شود. این اساسنامه، برپایه وابستگی سرزمینی تدوین شده است. برخی کارشناسان اما معتقدند که قدیمی‌ترین قانون تابعیت در ایران، فرمانی است که چند روز بعد از ترور ناصرالدین شاه در ۲۴ ذیقعدة ۱۳۱۳ قمری (۱۸ اردیبهشت ۱۲۷۵) به تصویب مراجع صلاحیت‌دار وقت رسیده است، هرچند هم اکنون متن این قانون دردسترس نیست.

- تابعیت پهلوی

پس از انقلاب مشروطه اگرچه در قانون اساسی مشروطیت، درباره تابعیت، اصلی مقرر نمی‌شود، در اصل ۲۴ متمم آن، درباره مجاز بودن تحصیل تابعیت ایران برای بیگانگان، صحبت می‌شود. پس از آن، قانون‌نامه‌نذکره تابعیت ایران در سال ۱۳۰۱ خورشیدی تدوین می‌شود که حدود سه سال جاری است تا اینکه در اوایل ۱۳۰۴، هیئت وزیران، قانون تابعیت جدیدی متناسب با زمان به مجلس ارائه می‌کند. لایحه مذکور با ۱۰ ماده هرگز به تصویب مجلس شورای ملی نمی‌رسد تا اینکه در ۱۶ شهریور ۱۳۰۸ و در دوره هفتم مجلس، قانون شانزده‌ماده‌ای تابعیت، به تصویب می‌رسد. در این قانون، هم اصل «خون» و هم اصل «خاک» پذیرفته شده است و در ماده اول خود به‌طور دقیق مشخص می‌کند که کدام اشخاص، تبعه ایران محسوب می‌شوند. این قانون در ۲۹ مهر ۱۳۰۹ به تصویب دو ماده دیگر به اسم قانون متمم، تکمیل می‌شود و بعدها در ۲۷ بهمن ۱۳۱۳ نیز پانزده ماده از قانون مدنی به تابعیت اتباع ایران، شرایط دریافت تابعیت و ترک آن اختصاص می‌یابد. این قانون که هم اکنون نیز اجرا می‌شود، تمام ساکنان ایران را تابع ایران می‌داند.

- تابعیت درقوانین فعلی

اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تابعیت را اصلی از حقوق فطری می‌داند که به‌هیچ‌وجه قابل نفی و سلب نیست. تابعیت کشور ایران، حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت، نمی‌تواند از هیچ فرد ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید. با توجه به این اصل، دولت ایران حق تابعیت را نمی‌تواند از هیچ فرد ایرانی سلب کند یا محدود به دوره زمانی خاصی بکند، حتی به‌عنوان مجازات. براساس اصل ۴۲ همان قانون، اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت دولت ایران درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص نیز، در صورتی ممکن خواهد بود که دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد یا خود آن‌ها درخواست کنند.

- اصول و مبانی تابعیت

درباره مبانی تابعیت، قانون کشورهای مختلف سه اصل مهم را محل توجه قرار می‌دهند: «هر فردی باید تابعیت داشته باشد»، «هیچ فردی نیابستی بیش از یک تابعیت داشته باشد» و «تابعیت، یک امر همیشگی و زوال‌ناپذیر نیست که به اصل قابل تغییر بودن تابعیت مشهور است». به این ترتیب هر فرد به‌محض تولد باید تبعه دولت معینی باشد. منظور از این قاعده، این است که هر طفل به‌محض به‌دنیا آمدن، ناگزیر تابعیت دولتی به او تحمیل می‌شود. این، یک قانون اجتماعی است و امروزه تقریباً همه دولت‌ها آن را پذیرفته‌اند. از طرفی، هیچ کس نمی‌تواند تابعیت خود را از دست بدهد، بدون اینکه تابعیت دولت دیگری را کسب کرده باشد. تحمیل تابعیت، به دو طریق خون و خاک امکان‌پذیر است، خون یا تابعیت نسبی یعنی طفل به‌دنیا آمده، تابعیت والدین خود را کسب می‌خواهد کرد و خاک هم می‌گوید طفل، تابعیت دولتی را خواهد داشت که در قلمرو حاکمیت آن به‌دنیا آمده است.

تصاویر و اطلاعات، برگرفته از گروه ارتباطات آرشیمی کتابخانه ملی



۳شنبه
۱۲ شهریور ۱۴۲۵
شماره: ۲۰۳۰

SHAHIRANEWS.IR

۱۵



تصویری از جلد کتاب کلیات جودی که طرحی از چهره شاعر بر آن نقش بسته است

تاریخ و هویت

قانون‌نامه‌نذکره تابعیت ایران در سال ۱۳۰۱ خورشیدی